رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۶، شماره پیاپی ۷۵، شهریور ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(6), 2022

پاسخگویی ادراک‌شده همسر یک سازه بازدارنده (محافظت کننده) تأثیرگذار؛ مستحکم‌ترین پل برای تجربه صمیمیت در روابط: یک مطالعه مروری

Perceived Partner Responsiveness as an influential buffering (protective) construct; The well-grounded bridge to experience intimacy in relationships: A review study

منوچهر رضائی (نویسنده مسئول)
کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
صدیقه احمدی
استادیار، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Manouchehr Rezaee*
M.A. in family counseling, faculty of psychology and educational sciences , Department of counseling, University of Kharazmi, Tehran, Iran.
manouchehr.rezaee24@gmail.com
Sedighe Ahmadi
Assistant Professor, faculty of psychology and educational sciences, department of counseling, University of Kharazmi, Tehran, Iran.

چکیده
افراد با استفاده از سازوکارهای مختلف می‌توانند با یکدیگر صمیمی شوند اما یکی از کلیدی‌ترین این عوامل، پاسخگویی ادراک‌شده همسر (PPR) است. ازآنجاکه ادبیات پژوهشی غنی در مورد این سازه در کشور وجود نداشت، هدف مطالعه حاضر روشن ساختن مفهوم پاسخگویی ادراک‌شده همسر، عناصر سازنده آن، نحوه اثرگذاری این سازه، تأثیرات قابل‌توجه این سازه بر حوزه‌های مختلف زندگی افراد و پیامدهای مثبت وجود آن در روابط و پیامدهای منفی فقدان آن در تعاملات انسان‌ها بود. این مطالعه، مروری نظام‌مند در بین اکثر منابع علمی مرتبط با این سازه در پایگاه داده‌های علمی بود. منابع مرتبط از سال ۱۹۹۲ تا سال ۲۰۲۲ از پایگاه‌های داده گوگل اسکالر، پابمد، اسکوپوس، ساینس دایرکت، سیج، وایلی، اشپرینگر، تیلور و فرانسیس و شبکه اجتماعی- علمی ریسرچ گیت دانلود گردیدند و آن دسته از منابعی که منطبق با ملاک‌های پژوهش (منابعی که دربردارنده نقش خنثی کنندگی پاسخگویی ادراک شده همسر بودند و هم چنین کلید واژه های PPR و صمیمیت را شامل می شدند) بودند وارد مطالعه شده (۵۷ مطالعه) و منابع نامرتبط (۸۴ مطالعه) کنار گذاشته شدند (درمجموع ۱۴۱ مطالعه). یافته‌های پژوهش‌های مختلف دلالت بر این دارند که پاسخگویی ادراک‌شده همسر از طریق خنثی کردن پیامدهای منفی و افزایش هیجانات، عواطف مثبت و نگرش سازنده افراد نسبت به یکدیگر در تعاملات، همواره مهم‌ترین پیش‌بین صمیمیت و رضایت در روابط بوده است. در نتیجه، PPR خوشبختی و بهزیستی افراد را افزایش می دهد.

واژه‌های کلیدی: *پاسخگویی ادراک‌شده همسر، نقش بازدارندگی، صمیمیت، مطالعه مروری*

Abstract
Individuals can be intimate with each other through a variety of mechanisms, but one of these key factors is Perceived Partner Responsiveness (PPR). Because there was no rich literature review on this construct in the country, the purpose of this study was to bring in the concept of perceived partner responsiveness, its elements, how this structure works, significant effects of this structure on different areas of individual's life and the positive consequences of its existence in relationships and the negative consequences of its absence in human interactions. This study was a systematic review of most of the scientific sources related to this structure in scientific databases. Related sources were downloaded from Google Scholar, PubMed, Scopus, Science Direct, Sage, Wiley, Springer, Taylor and Francis, and the social-scientific ResearchGate database from 1992 to 2022 and those sources that met the research criteria (sources that included the counteractive role of perceived partner responsiveness and also included the keywords of PPR and intimacy) were included in the study (57 studies) and unrelated sources (84 studies) were excluded (141 studies in total). Findings of various studies indicate that the perceived partner responsiveness by neutralizing negative consequences and increasing positive emotions, affections, and constructive attitudes toward each other in interactions has always been the most important predictor of intimacy and satisfaction in relationships. Consequently, PPR will develop the happiness and well-being of individuals.

Keywords: *Perceived Partner Responsiveness, Buffering role, Intimacy, Review study.*

نوع مقاله : مروری سیستماتیک | **دریافت :** آبان ۱۴۰۰ | **پذیرش:** تیر ۱۴۰۱ | **ویرایش نهایی:** شهریور ۱۴۰۱

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.3.0]

مقدمه

پاسخگویی ادراک‌شده همسر[۱]- احساس درک شدن[۲]، تصدیق شدن[۳] و مراقبت شدن[۴] فرد از جانب شریک رمانتیک اش- برای خلق کردن صمیمیت در زوج‌ها ضروری است و به‌عنوان یک چارچوب سازمان دهنده مهم جهت درک کردن پویایی‌ها و بهزیستی رابطه تلقی می‌شود (ریس و گیبل[۵]، ۲۰۱۵؛ برجران[6] و همکاران، ۲۰۲۱). پاسخگویی ادراک‌شده به یکی از مهم‌ترین سازه‌ها در علوم ارتباطی تبدیل شده است. ریس و همکاران بر این عقیده هستند سازه که آن‌ها پاسخگویی ادراک‌شده همسر به خود[۷] می‌نامند یک اصل سازمان دهنده مرکزی[۸] را برای مطالعه روابط شخصی فراهم می‌کند. آن‌ها این سازه را به صورت فرایندی تعریف می‌کنند که از طریق آن افراد به این باور می‌رسند که شریک ارتباطی هم به ویژگی‌های مرکزی و مبین خودِ آن‌ها توجه می‌کند و هم به صورت حمایتگرانه به آن‌ها واکنش نشان می‌دهد. PPR به رشد صمیمیت در یک رابطه نزدیک کمک می‌کند. این تعریف PPR با تعریف صمیمیت یا نزدیکی یکی نیست؛ بجای آن ریس و همکاران این فرایند را به‌عنوان مسیری (هرچند یکی از مسیرهای کلیدی) در نظر می‌گیرند که افراد از طریق آن صمیمی یا به هم نزدیک می‌شوند (ریس و همکاران، ۲۰۰۴).

پاسخ‌ها تا جایی که سه خصوصیت را پردازش کنند به صورت پاسخگو ادراک می‌شوند: الف) درک و فهم، یا اینکه فرد بر این عقیده باشد که شریکش واقعیت‌های مربوط به او را به طور مناسب و درست دریافت کرده است. درک و فهم نشان می‌دهد که فرد از همسرش، نیازها و ترس هایش، از آنچه همسرش قصد انجام دادنش را دارد و قادر به انجام دادنش است، نگاه درستی دارد. درک و فهم به این دلیل مهم است که حس اصالت و درستی را پرورش می‌دهد (کرنیس و گلدمن[۹]، ۲۰۰۶؛ ریس، ۲۰۱۴)، به این خاطر که دو عامل بعدی بر اساس آن پیش‌بینی می‌شوند؛ به خاطر اینکه نیازهای مربوط به خود-تأییدی[۱۰] را برآورده می‌کند (سوان[۱۱]، ۱۹۹۰) و مهم اینکه در صورت نبود درک و فهم، تلاش‌های یک همسر برای نشان دادن اعتباربخشی و مراقبت به صورت گمراه‌کننده به نظر می‌رسد و درنتیجه این اعتباربخشی و مراقبت برای خودِ فرد حاشیه‌ای به نظر می‌آید (ریس، ۲۰۱۳). ب) اعتباربخشی، یا اعتقاد به اینکه زوج‌ها به توانایی‌ها، خصایص و جهان‌بینی همدیگر بها داده و ارزش قائل می‌شوند. اعتباربخشی حاکی از ارزش همسر است؛ و به طور ضمنی دلالت بر این دارد که فرد منافع شخصی را فدای مصالح رابطه می‌کند (موری و هلمز[۱۲]، ۲۰۱۱). اعتباربخشی مهم است؛ چرا که حاکی از علاقه و پذیرش شریک نسبت به خودِ همسرش است (فینگن آور و ریگتی[۱۳]، ۲۰۱۱). ج) مراقبت یا اعتقاد به اینکه در زمان نیاز به کمک، همسر آن را فراهم خواهد کرد؛ چیزی که نگرانی و دلواپسی آن‌ها برای سلامتی یکدیگر را نشان می‌دهد. مراقبت به طور مستقیم نگرانی جدی فرد برای سلامتی همسرش را دربر می‌گیرد (کلارک و میلز[۱۴]، ۲۰۱۲؛ ریس، ۲۰۱۴).

«درک و فهم» عنصر شناختی فرایند پاسخگویی است. درک و فهم شامل این احساس است که فرد (شخص پاسخ‌دهنده) خود درونی همسرش را درک کرده است، حقایق را فهمیده است و به طور مناسبی از عقاید، نیازها، اهداف و شرایط همسرش مطلع است. «اعتباربخشی» شامل این احساس است که فرد پاسخ‌دهنده فرد افشاء کننده را خواهد پذیرفت. اعتباربخشی حاکی از احترام گذاشتن و ارزش‌گذاری به فرد است و از طریق بیان کردن مجدد سخنان فرد مقابل، بازخورد مثبت و سؤالات باز- پاسخ منتقل می‌شود. «احساس مراقبت شدن» حاکی از این است که فرد افشاء کننده از جانب فرد پاسخ‌دهنده احساس علاقه، صمیمیت، عاطفه و حمایت را تجربه کند (ریس و پتریک[۱۵]،

1 Perceived Partner Responsiveness (PPR)
2 Understanding
3 Validation
4 Caring
5 Reis & Gable
6 Bergeron
7 perceived partner responsiveness to the self
8 Core organizing principle
9 Kernis & Goldman
10 Self-verification
11 Swann
12 Moore & Holmes
13 Finkenauer & Righetti
14 Clark & Mills
15 Patrick

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.3.0]

۱۹۹۶؛ فریمن[1]، ۲۰۱۱). افراد می‌توانند درک و فهم را از طریق علائم فرازبانی یا اظهارات حاکی از توجه مثل " ام ، اهم[2] " ابراز کنند؛ اعتباربخشی می‌تواند از طریق تکان دادن سر، بزن قدش[3]، یا یک حرکت چهره سازگار (یا بی‌اعتبار کردن[4] از طریق شانه بالا انداختن، چشمان خود را به نشانه نارضایتی چرخاندن یا بی‌صبرانه آه کشیدن) منتقل شود. مراقبت می‌تواند (در سکوت و بدون حرف با در آغوش کشیدن، یک لبخند و با دقت نگاه کردن) نشان داده شود (کویلی و کارمایکل[5]، ۲۰۱۹).

پاسخگویی ادراک‌شده همسر هم به‌وسیله نیروهای درون فردی[6] (ذهنی) وهم نیروهای بین فردی[7] شکل می‌گیرد. فرایند به‌صورت درون فردی با نیازها، اهداف و آرزوهای خود فرد شروع می‌شود. به‌طوری‌که یکی از زوج‌ها یک نیاز، ترجیح یا آرزو را ابراز می‌کند؛ رویدادی را برای کسب حمایت یا تحسینی که خواستار آن است، بیان می‌کند و به غیر از این، جنبه‌های مهمی از خود را نیز آشکار می‌کند (البته این عوامل درون فردی غالباً به‌وسیله تجارب ارتباطی گذشته شکل‌گرفته است (چن[8] و همکاران، ۲۰۰۶؛ میکولینگر و شیور[9] ، ۲۰۰۷). فرایند بین فردی تا زمانی که همسر پاسخ حمایتی نشان دهد، ادامه پیدا می‌کند؛ چیزی که احتمالاً منجر به ادراک پاسخگویی توسط فرستنده پیام می‌شود. پاسخ‌ها تا اندازه‌ای که سه خصوصیت اشاره شده در بالا (درک و فهم، اعتباربخشی و مراقبت) را پردازش کنند، به‌صورت پاسخگو ادراک می‌شوند (ریس، ۲۰۱۴).

لیست سازه‌های منحصربه‌فرد برگزیده زیر را در نظر بگیرید که به عنوان تعاریف و نمونه‌های از انواع روابط باکیفیت مطرح شده‌اند که به سلامتی روانشناختی و کارکرد مؤثر کمک می‌کنند:

دلبستگی ایمن[10] (میکولینگر و شیور، ۲۰۰۷)، حمایت اجتماعی[11] (کوهن[12] و همکاران، ۲۰۰۰)، صمیمیت[13] (ریس و شیور، ۱۹۸۸)، تعلق‌خاطر[14] (بامایستر و لیری[15]، ۱۹۹۵)، ارضاء نیاز مشترک[16] (کلارک و میلز، ۱۹۹۳)، پاسخگویی ادراک‌شده همسر (ریس و همکاران، ۲۰۰۴)، اعتماد[17] (سیمپسن[18]، ۲۰۰۷)، تنظیم خطر سازنده[19] (موری و همکاران، ۲۰۰۶)، حمایت مبتنی بر خودمختاری[20] (دِسی و رایان[21]،۱۹۸۷)، خود-تأییدی (سوان،۱۹۹۰)، خود-افزایی[22] (آرون و آرون[23]،۱۹۹۷)، تعهد[24] (راسبولت[25] و همکاران، ۲۰۰۶)، تصدیق همسر[26] (راسبولت و همکاران، ۲۰۰۹)، پذیرش هیجانی[27] (جیکوبسن و کریستنسن[28]، ۱۹۹۸)، ازدواج مبتنی بر رابطه دوستی[29] (گاتمن[30]،

1 Freeman
2 mm-hm
3 High- five
4 invalidation
5 Coyle & Carmichael
6 Intrapersonal
7 Interpersonal
8 Chen
9 Mikulincer & Shaver
10 Secure attachment
11 Social support
12 Cohen
13 Intimacy
14 belongingness
15 Baumeister & Leary
16 communal need satisfaction
17 Trust
18 Simpson
19 constructive risk regulation
20 autonomy support
21 Deci & Ryan
22 self-expansion
23 Aron & Aron
24 Commitment
25 Rusbult
26 partner affirmation
27 emotional acceptance
28 Jacobson & Christensen
29 friendship-based marriage
30 Gottman

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.3.0]

۱۹۹۹)، یکپارچگی شبکه اجتماعی[1] (هوس[2] و همکاران، ۱۹۸۸)، تفاهم[3] (تیکل-دگنن و رزنتال[4]،۱۹۹۰) و ارتباط به خوبی تنظیم‌شده راجع به تعارض[5] (گاتمن، ۱۹۹۴). یک تمایل مداخله جویانه جهت تعبیه کردن طرحی برای کمک کردن به رفاه انسان از طریق تقویت کردن روابط، شناسایی کردن برجسته‌ترین هدف از میان این سازه‌ها و بسیاری از جایگزین‌های دیگر کار سختی خواهد بود. به نظر هری ریس[6]، فقدان اتفاق‌نظر درباره پدیده مرکزی این رشته تا حدودی یک وضعیت نگران‌کننده است. در بالا، ریس مجموعه‌ای از سازه‌های مرتبط به رابطه را که هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ پژوهشی به بهزیستی مربوط بودند را فهرست کرده بود. این سازه‌ها می‌توانند به روش‌های مختلف از یکدیگر متمایز شوند؛ اما یک عنصری که با همه آن‌ها مشترک می‌باشد، پاسخگویی ادراک‌شده همسر به خود است. اگرچه ممکن است به نظر آید که PPR از نظر مفهومی به سازه‌های شناخته شده‌تر همانند صمیمیت، نزدیکی، حمایت اجتماعی یا امنیت دلبستگی شباهت دارد؛ هری ریس اشاره می‌کند که PPR به عنوان یک سازه گسترده‌تر در نظر گرفته می‌شود (شبکه مفهومی[7]) که بر وجه اشتراکات بین این سازه‌ها و دیگر فرایندهای مهم رابطه تأکید می‌کند (ریس، ۲۰۱۲).

مایزل[8] و گیبل (۲۰۰۹) متوجه شدند حمایت فراهم‌شده توسط دیگران، فقط زمانی مؤثر است که فرد آن را مرتبط و پاسخگو، ادراک کند (ریس و همکاران، ۲۰۱۷). منافع پاسخگویی ادراک‌شده که در قالب درک و فهم متقابل و پذیرش هیجانی شریک تعریف شده است، شالوده بسیاری از نوآوری‌ها در زوج‌درمانی است: همانند زوج‌درمانی هیجان مدار[9] (جانسن و کرینبرگ[10]، ۱۹۹۵) و زوج‌درمانی رفتاری تلفیقی[11] (جیکوبسن و همکاران، ۲۰۰۰؛ گیبل و ریس، ۲۰۰۶). پاسخگویی ادراک‌شده برای رشد یک سبک دلبستگی ایمن، تجربه حمایت اجتماعی، منبع کنترل درونی[12] و احساس کنترل داشتن در روابط نزدیک، کاملاً مهم و ضروری است. در عوض یک محیط غیر پاسخگو با درماندگی آموخته‌شده و افسردگی همراه است (کوک و دِمول[13]، ۲۰۱۸).

PPR به خوشبختی زناشویی[14] و بهزیستی[15] فردی هر کدام از شریکان گره خورده است (هلمز و همکاران، ۲۰۰۷؛ سلکاک[16] و همکاران، ۲۰۱۶؛ مانک[17]،۲۰۲۰)؛ اما ازآنجاکه زنان معمولاً تأکید خیلی بیشتری بر روی کیفیت عاطفی روابط صمیمانه‌شان می‌کنند (ویل کاکس و ناک[18]، ۲۰۰۶)؛ ادراکات از پاسخگویی شریک برای رضایت ارتباطی و بهزیستی فردی آن‌ها مهم‌تر است (مانک، ۲۰۲۰). یکی از عواملی که ممکن است در توانایی افراد جهت حفظ کردن کیفیت رابطه و به حداقل رساندن ناسازگاری‌های ارتباطی در طول همه‌گیری جهانی کووید- ۱۹[19] مهم باشد، PPR است؛ چیزی که می‌تواند در مقابل پیامدهای منفی عوامل تنش‌زا همانند آن‌های که به همه‌گیری جهانی کووید-۱۹ مرتبط است، به صورت یک عامل محافظت‌کننده عمل کند. پژوهش‌ها شواهدی ارائه می‌دهند که اگرچه احتمال دارد افراد در طول همه‌گیری جهانی کووید-۱۹ تنش را تجربه کنند که می‌تواند بر روابط فشار وارد کند، افرادی که شریکان شان را در طول این زمان به‌صورت پاسخگو ادراک کنند، می‌توانند در مقابل سرریز شدن این تنش، کیفیت ارتباطی کمتر و تعارض بیشتر محافظت شوند (بالزرینی[20] و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین، معقول به نظر می‌رسد که PPR را به‌عنوان یک کاندید قابل‌قبول برای اصل سازمان دهنده مرکزی در علم رابطه بپذیریم (ریس، ۲۰۱۲).

---

1 social network integration
2 House
3 rapport
4 Tickle-Degnen & Rosenthal
5 well-regulated communication about conflict
6 Harry Reis
7 Conceptual net
8 Maisel
9 Emotionally focused couples therapy
10 Johnson & Greenberg
11 Integrative behavioral couples therapy
12 Internal locus of control
13 Cook & De Mol
14 Marital Happiness
15 Well-being
16 Selcuk
17 Munk
18 Wilcox & Nock
19 Covid-19
20 Balzarini

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.3.0]

باوجود پژوهش‌های مختلفی که در حوزه صمیمیت زناشویی صورت گرفته است، متغیرهای جدیدی وجود دارند که در خارج از کشور پژوهش‌های برای سنجش اثرات آن بر روی صمیمیت زناشویی صورت گرفته است؛ اما در کشور ما پژوهشی به بررسی تأثیرات این متغیرهای جدید نپرداخته است. ازجمله این متغیرهای جدید، پاسخگویی ادراک‌شده همسر است. با مراجعه به ادبیات سازه پاسخگویی ادراک‌شده همسر می‌توان پی برد که این سازه نقش بنیادینی در افزایش یا کاهش سطح صمیمیت بین زوج‌ها ایفا می‌کند. نادیده گرفتن این سازه ضروری در علم روانشناسی و مشاوره می‌تواند باعث عدم توجه مشاورین به کارکرد بنیادی این متغیر در روابط زوج‌ها شود و نقش آن‌ها در ترمیم روابط زوج‌ها، از طریق تغییر دادن نحوه پاسخگویی همسران را، کم‌رنگ کند. بنابراین، این پژوهش به مطالعه کردن نظام‌مند و مروری نتایج پژوهش‌های انجام‌شده بر روی پاسخگویی ادراک‌شده همسر و تأثیرات آن در جوامع و جمعیت‌های پژوهشی مختلف پرداخته است.

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی و مطالعه مروری نظام‌مند[1] می‌باشد. ابتدا در پایگاه‌های داده گوگل اسکالر[2]، پابمد[3]، اسکوپوس[4]، ساینس دایرکت[5]، سیج[6]، وایلی[7]، اشپرینگر[8]، تیلور و فرانسیس[9] و شبکه اجتماعی- علمی ریسرچ گیت[10] به جستجوی واژگان کلیدی پاسخگویی ادراک‌شده همسر و صمیمیت پرداخته شد و ۱۴۱ پژوهش از سال ۱۹۹۲ تا سال ۲۰۲۲ دانلود گردید و آن دسته از منابعی که منطبق با ملاک‌های پژوهش بودند (دربردارنده کلید واژگان PPR و صمیمیت بودند و همچنین نقش بازدارنده PPR را بررسی کرده بودند) وارد مطالعه شده و منابع نامرتبط (که به نقش بازدارندگی پاسخگویی ادراک شده همسراشاره نکرده بودند یا یکی از کلیدواژه های PPR یا صمیمیت را دربرنداشتند) کنار گذاشته شدند (۸۴ مطالعه). به طورکلی، ۵۷ کار پژوهشی (اعم از مقاله، کتاب، پایان نامه و فصول مرتبط) که در آن‌ها پاسخگویی ادراک‌شده همسر نقش بازدارندگی داشته و تجربه صمیمیت بین افراد را تسهیل کرده بود، انتخاب گردیده و یافته‌های آن‌ها ترجمه، یاداشت بردای و تلخیص شد. لازم به ذکر است که برخی از این منابع مشمول دسترسی غیرآزاد[11] بودند که از طریق ایمیل به نویسندگان آن‌ها فایل تمام متن آن‌ها در اختیار پژوهشگران طرح حاضر قرار گرفت.

یافته ها

در این قسمت یافته‌های پژوهش‌هایی که ملاک ورود را داشتند دقیقاً مورد بررسی قرار گرفت و نتایج پژوهش آن‌ها به صورت خلاصه معرفی خواهد شد. درمجموع، نتایج مطالعات مختلف بر روی جوامع گوناگون دلالت بر این دارد که PPR می تواند به افراد کمک کند تا کمتر بر روی ناسازگاری های ارتباطی، اختلافات، موانع بهزیستی، تعارضات، دلبستگی های ناایمن، اختلالات روانی و کمبودهای موجود در رابطه تمرکز کنند و درعوض، بیشتر بر روی ابعاد مثبت رابطه و ویژگیهای سازنده شریک ارتباطی توجه کنند و به این نحو باعث افزایش صمیمیت و در نتیجه رضایت بیشتر شود.

یکی از عواملی که ممکن است در توانایی افراد جهت حفظ کردن کیفیت رابطه و به حداقل رساندن ناسازگاری‌هایی ارتباطی در طول همه‌گیری کووید-۱۹ مهم باشد، PPR است. نتایج مطالعه بالزرینی و همکاران (۲۰۲۰) دلالت بر این دارد که PPR رابطه بین عوامل تنش‌زای مرتبط با کووید و کیفیت رابطه را تعدیل می‌کند. مخصوصاً در افرادی که شریکشان را در پاسخگویی پائین ادراک کردند، تنش

1 Systematic review study
2 Google Scolar
3 PubMed
4 Scopus
5 ScienceDirect
6 SAGE
7 Wiley
8 Springer
9 Taylor & Francis
10 The ResearchGate
11 Close Access

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.3.0]

مرتبط با کووید، فشار مالی و انزوای اجتماعی به طور معناداری با کیفیت پائین تر رابطه و تعارض بیشتر در رابطه‌شان توأم بوده است. بااین‌وجود، در افرادی که شریک شان را بیشتر به صورت پاسخگو ادراک می‌کنند، رابطه بین عوامل تنش‌زای مرتبط با کووید و کیفیت رابطه تضعیف می‌شود یا به طور کامل خنثی می‌گردد (بالزرینی و همکاران، ۲۰۲۰).

در مطالعه کَندل و ترلیوک[1] (۲۰۲۱) مشخص شد که PPR به صورت معناداری به رضایت زناشویی بیشتر مرتبط بود. منطبق با فرضیه این پژوهشگران، PPR تأثیر منفی حس شایستگی ارتباطی بیش‌ازحد بر روی رضایت زناشویی را خنثی می‌کند.

مطالعه پاوو[2] و همکاران (۲۰۲۱) نشان داد افراد به اشتراک گذارندهٔ که ادراک کردند که شریکشان پاسخگوتر بوده است، متعاقباً خودشان حمایت با کیفیت بالای ارائه کردند. یافته‌های این پژوهش از این ایده حمایت می‌کند که PPR کیفیت حمایت بعدی را شکل می‌دهد.

راپوسو و میوز[3] (۲۰۲۱) در یک مطالعه تجربه روزانهٔ ۲۱ روزه و یک مطالعه طولی از ۱۲۱ زوج، پاسخگویی جنسی ادراک‌شده از جانب شریک را به عنوان یک عامل خنثی‌کننده در مقابل کیفیت پائین تر رابطه (رضایت، تعهد و اعتماد) و رضایت جنسی‌ای که افراد اضطرابی معمولاً تجربه می‌کنند، مورد آزمون قرار دادند. یافته‌هایی این پژوهشگران حاکی از این است که پاسخگویی جنسی ادراک‌شده از جانب شریک یک عامل امیدوارکننده محافظ برای شریکان دلبسته اضطرابی است.

نتایج مطالعه شمپین[4] و میوز (۲۰۲۲) نشان داد زمانی که افراد مبتلا به بیماری پارکینسون[5] شریک رمانتیکِ شان را به صورت پاسخگوتر ادراک می‌کنند، از رابطه‌شان رضایت بیشتری دارند.

یافته‌های پژوهش برجران و همکاران (۲۰۲۱) نشان داد در روزهای فعالیت جنسی، زمانی که زنان با درد تناسلی - لگنی/ اختلال دخولی[6]، PPR بیشتری را گزارش کردند، به نسبت همان روزهایی فعالیت جنسی معمولی‌شان، هر دو شریک عملکرد جنسی بهتری را تجربه کردند و زمانی که شریکان PPR بیشتری را گزارش کردند، این وضعیت به طور مشابه صادق بود.

جالینگ[7] و همکاران (۲۰۲۱) به آزمودن این فرضیه پرداختند که آیا PPR لمس کردن محبت‌آمیز را در زوج‌های رمانتیک پیش‌بینی می‌کند؟ نتایج مطالعه آن‌ها یک همبستگی مثبت بین PPR و لمس کردن محبت‌آمیز نشان می‌دهد.

مطالعه آلونسو-فرز[8] و همکاران (۲۰۲۱) نشان داد که افراد ضعیف به احتمال زیاد فقط زمانی که فقدان پاسخگویی را از جانب شریکشان ادراک کردند، عواطفشان را سرکوب کردند (ابراز نکردند). برعکس، زمانی که آن‌ها شریکشان را به صورت پاسخگو ادراک کردند، مانع ابراز عواطفشان نشدند.

مطالعه استنتن[9] و همکاران (۲۰۲۱) نشان داد افرادی که در طول مدت روزانه PPR بیشتری را گزارش کردند، افزایش بیشتری را در کیفیت مثبت رابطه و کاهش بیشتری را در کیفیت منفی رابطه از نقطه آغاز تا مرحله سوم مطالعه نشان دادند.

ایزی شاکوو[10] و ریس (۲۰۲۱) در ۵ مطالعه پی بردند زمانی که افراد دیگران را پاسخگو ادراک می‌کنند، آزاداندیش‌تر[11] می‌شوند.

مطالعه لشانز-کرزلا[12] و همکاران (۲۰۲۰) نشان دهندهٔ این است که ادراک زنان جوان از پاسخگویی شریکشان در مدیریت تعارض مهم است. هم زنان و هم مردان جوان زمانی که پاسخگویی بیشتری را از جانب شریکشان ادراک کردند، تعارض کمتری را گزارش کردند.

یافته‌های والش[13] و همکاران (۲۰۲۰) ثابت کرد که عامل تعیین‌کنندهٔ کلیدی خودافشایی که در سطح دوجانبه شناسایی شده است (یعنی PPR؛ لارنسو[14] و همکاران، ۱۹۹۸؛ ریس و شیور، ۱۹۸۸؛ اُمارزو[15]، ۲۰۰۰) هم‌چنین در سطح شبکه نیز با خودافشایی همبسته

1 Candel & Turliuc
2 Pauw
3 Raposo & Muise
4 Champagne
5 Parkinson
6 genito-pelvic pain/penetration disorder (GPPPD)
7 Jolink
8 Alonso- Ferres
9 Stanton
10 Itzchakov
11 open-minded
12 Lachance-Grzela
13 Walsh
14 Laurenceau
15 Omarzu

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.3.0]

است. به میزانی که افراد رسانه‌های اجتماعی‌شان را به صورت پاسخگو ادراک می‌کنند، به صورت آشکارتر در آن شبکه‌ها خودافشایی می‌کنند.

مانک (۲۰۲۰) در مطالعه خود نشان داد زمانی که ادراک شود تقسیم کارِ خانه ناعادلانه بوده است، PPR می‌تواند اثر بازدارنده بر روی کیفیت زناشویی داشته باشد. به‌عبارت‌دیگر، شریکانی که معتقدند تقسیم کارِ خانه ناعادلانه بوده است، اگر ادراک کنند که شریکانشان پاسخگو هستند، ممکن است کیفیت زناشویی بالاتری را گزارش کنند.

در مطالعه روزن[1] و همکاران (۲۰۲۰) PPR به ویژه در مورد رابطه جنسی به عنوان یک عامل تعیین‌کننده مهم در رضایت جنسی و رضایت از رابطه در آینده برای تازه مادران مشخص شد. یافته‌های این مطالعه حاکی از این بود که پاسخگویی شریک مورد نظر می‌تواند اثربخشی مداخلات طراحی شده جهت ارتقاء رضایت جنسی و رضایت ارتباطی در مادران را تقویت کند.

لی[2] و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌شان پی بردند که روابط معناداری بین نشانگان یائسگی[3] و PPR وجود داشت. یافته‌های آن‌ها حاکی از این است که پاسخگویی سنجیده شریک می‌تواند اثرات مخرب نشانگان یائسگی بر روی عاطفه پریشان را در بین زنان یائسه[4] تضعیف کند.

تحلیل‌های چندسطحی در مطالعه کوکک[5] و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که ارضا نیاز مادرانه توسط سطوح پائین تر تعارض بین والدینی و سطوح بالاتر PPR پیش‌بینی شد. منطبق با فرضیه‌های این پژوهشگران، تعارض والدینی هفته‌به‌هفته به‌طور منفی و PPR به‌طور مثبت به ارضاء نیاز مرتبط بود.

نتایج مطالعه جسلین و دِوی[6] (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که اضطراب دلبستگی، اجتناب دلبستگی و PPR در زوج‌های غیرنکاحی بر روی اعتماد تأثیر قابل‌توجهی دارد. تقریباً PPR بیشترین تأثیر را بر روی اعتماد دارد. این به این معناست که اگر افراد شریکشان را نسبت به نیازهای شان به صورت پاسخگو ادراک کنند، حس بیشتری از اعتماد را خواهند داشت؛ حتی با وجود سبک‌های دلبستگی ناایمن.

دلبستگی اجتنابی[7] رابطه بین پاسخگویی جنسی ادراک‌شده از جانب شریک (در طی دوره مطالعه تجربه روزانه) و رضایت جنسی سه ماه بعد را تعدیل کرد. زمانی که افراد شریکانشان را در پاسخگویی جنسی در طی دوره مطالعه روزانه به صورت کمتر پاسخگو ادراک کردند، افرادی که در اجتناب از دلبستگی بالا بودند در مقایسه با افرادی که در اجتناب از دلبستگی پائین بودند، سه ماه بعد احساس رضایت جنسی کمتری داشتند. بااین‌وجود، زمانی که در طی دوره مطالعه روزمره، یک شریک در پاسخگویی جنسی در سطح بالا ادراک شد، همانند افراد دلبسته کمتر اجتنابی، افراد دلبسته اجتنابی نیز سطوح مشابهی از رضایت جنسی را گزارش کردند (راپوسو، ۲۰۲۰).

یافته‌های رایس[8] و همکاران (۲۰۲۰) دلالت بر این دارد که PPR می‌تواند به اصلاح کردن ناامنی‌هایی مدل‌هایی فعال مرتبط با خود و دیگران[9] کمک کند. ادراک کردن پاسخگویی از جانب شریکان می‌تواند به افراد دلبسته اضطرابی کمک کند که در ارتباط با ارزشمندی خودشان احساس خاطرجمعی بیشتری کنند و به افراد دلبسته اجتنابی کمک کند که باور کنند دیگران قابل‌اعتماد هستند. یعنی PPR احساس امنیت را در افراد ناایمن بازیابی می‌کند.

نتیجه مطالعه گونایدن[10] و همکاران (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که در زندگی روزمره ادراک کردن پاسخگویی شریک به صورت متغیر و بی‌ثبات، اضطراب دلبستگی مختص شریکِ[11] بیشتری را پیش‌بینی می‌کند؛ درحالی‌که ادراک کردن سطوح بالاتری از پاسخگویی همسر، اجتناب دلبستگی مختص شریکِ[12] کمتری را پیش‌بینی می‌کند.

1 Rosen
2 Lee
3 Menopausal symptoms
4 climacteric
5 Kocak
6 Jesslyn & Dewi
7 Avoidant attachment
8 Rice
9 Internal working models of self and others
10 Gunaydin
11 partner-specific attachment anxiety
12 partner-specific attachment avoidance

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.3.0]

بن-گال داهان[1] و همکاران (۲۰۲۰) در دو مطالعه کشف کردند که ادراک پاسخگویی معلم به پشتکار فزاینده دانش آموزان کمک می‌کند. نوجوانانی که معلمشان را به صورت پاسخگوتر و حمایت‌کننده‌تر ادراک کردند، به احتمال زیاد بدون در نظر گرفتن جهت‌گیری دلبستگی شان، در تکالیف درسی پشتکار بیشتری داشتند.

در دو مطالعه که ازنظر روش‌شناختی متمایز بودند- یکی مطالعه خاطرات روزمره و دیگری یک مطالعه آزمایشگاهی- روآن[2] و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند ادراک کردن اینکه شریک ارتباطی‌مان نسبت به ما پاسخگو است، منجر به سطح بالای از ابرازگری عاطفه[3] می‌شود.

در یک مطالعه که شرکت‌کنندگان آن افرادی بودند که خودشان یا شریکان رمانتیکِ شان به تازگی به عنوان بیماران سرطانی تشخیص داده شده بودند؛ نشان داده شد بیمارانی که نیاز بیشتری به افشاسازی عاطفی داشتند، اگر آن‌ها شریکشان را به صورت پاسخگو ادراک می‌کردند، سطوح پائینی از نشانگان افسردگی را دارا بودند (داگان[4] و همکاران، ۲۰۱۴؛ تسفایلیز[5]، ۲۰۱۹).

پژوهش‌ها دلالت بر این دارند که پاسخگویی ادراک‌شده نسبت به تلاش‌ها برای خودافشایی، به طورکلی در طول اولین تعامل منجر به سوگیری حافظه مثبت[6] می‌شود و به حفظ کردن روابط رمانتیک کمک می‌کند (کلایمن[7] و همکاران، ۲۰۱۵؛ تسفایلیز، ۲۰۱۹).

مشخص شده است که PPR پیش از بارداری، سازگاری با دوره والدینی را پیش‌بینی می‌کند؛ که چالش قابل‌توجهی است که بزرگسالان در زندگی‌شان حتی چهار سال بعد نیز با آن مواجه می‌شوند (تر کویل[8] و همکاران، ۲۰۱۷؛ تسفایلیز، ۲۰۱۹).

یکی از کارکردهای بنیادی PPR، تنظیم بدبینی و یأس از طریق کاهش دادن آن‌ها و تقویت کردن احساسات ایمنی است (اسلچر و اسکیبی[9]، ۲۰۱۶؛ اسلچر و سلکاک، ۲۰۱۷) که نیازهای وابستگی و پیوند را ارضاء می‌کند (استنتن و همکاران، ۲۰۱۹).

اخیراً مطالعه ۶۹۸ بزرگسال متأهل یا هم‌خانه (با میانگین سنی۵۷ سال و دامنه سنی ۸۶-۳۵ سال) مشخص کرد که پاسخگویی ادراک‌شده همسر به علت اضطراب و افسردگی کمتر، مشکلات خواب خود- گزارشی کمتری را پیش‌بینی کرد و دستگاه خواب سنج[10] به‌واسطه اضطراب کمتر، بازده خواب مفیدی را برآورد کرد (سلکاک و همکاران، ۲۰۱۷؛ اونیل[11] و همکاران، ۲۰۲۰).

زمانی که PPR نسبت به گفتگوی جنسی بیشتر است، در آن هنگام افراد می‌توانند صمیمیت بیشتری را تجربه کنند، لذت فردی یا لذت مشترک را از طریق مکالمه جنسی دوجانبه تجربه کنند و ممکن است زوج‌ها بهتر قادر به برآورده کردن نیازهای جنسی همدیگر باشند. یعنی PPR بیشتر از نوع گفتگوی جنسی به کار رفته، مهم است (مروین[12] و رُزِن، ۲۰۲۰).

دُلی[13] و همکاران (۲۰۱۸) شواهدی را یافتند که حاکی از منافع پاسخگویی ادراک‌شده برای خواب (و تا حدودی برای سلامت ذهنی)، هیجانات مثبت و منفی و سازگاری ذهنی است.

افرادی که همسر رمانتیکِ شان را در هنگام افشاء سازی یک مسئله شخصی، پاسخگوتر ادراک کردند، به همان اندازه سریع‌تر از خلق افسرده بهبود پیدا کردند (کالینز و فینی[14]، ۲۰۰۰؛ ژو[15]، ۲۰۱۸).

مطالعات نمونه‌های آمریکای شمالی و اروپای غربی نشان داده‌اند که ادراک کردن همسر به‌صورت پاسخگو تداوم بیشتر عواطف مثبت و یا تسکین عواطف منفی در زمان فاش‌سازی یک تجربه تنش‌زا را پیش‌بینی می‌کند (کالینز و فینی، ۲۰۰۰؛ مایزل و گیبل، ۲۰۰۹) و کار کردن بروی تکلیف تنش‌زا را تسهیل می‌کند (فینی، ۲۰۰۴؛ تسفایلز و همکاران، ۲۰۱۸).

1 Ben-Gal Dahan
2 Ruan
3 Emotional expression
4 Dagan
5 Tasfiliz
6 positive memory bias
7 Kleiman
8 Ter Kuile
9 Slatcher & Schoebi
10 actigraph
11 O'Neill
12 Merwin
13 Dooley
14 Collins & Feeney
15 Zhou

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.3.0]

یافته‌ها از پنج مطالعه ریس و همکاران (۲۰۱۸) نشان می‌دهد زمانی که افراد یک حس کلی از پاسخگویی را ادراک می‌کنند، سوگیری منفعت طلبانه[1] کمتر و سطح بالاتری از گشاده‌روی نسبت به اطلاعات تازه و بالقوه متناقض را نشان می‌دهند. روی‌هم‌رفته، این مطالعات به ادراکات از پاسخگویی و عدم پاسخگویی به‌عنوان یک عامل مؤثر بر گشاده‌رویی و عدم حالت تدافعی (دو عنصر کلیدی تواضع عقلانی) اشاره می‌کنند.

علاوه بر این که نتایج مطالعه فیکت[2] و همکاران (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که ادراکات از پاسخگویی عاطفی شریک برای حفظ کردن صمیمیت در رابطه مهم است (ریس و شیور، ۱۹۸۸)؛ هم‌چنین ممکن است نقشی مهم در اثربخشی تعاملات حمایت گرانه ایفا کند. بنابراین، تعجب‌آور نیست که PPR یک پیش‌بین قوی از سطح پائین علائم افسردگی در زندگی روزمره است (فیکت و همکاران، ۲۰۰۷؛ کان[3] و همکاران، ۲۰۰۹؛ سلکاک و همکاران، ۲۰۱۷).

وندر استرن و ورهیج[4] (۲۰۰۹) نشان دادند که PPR رضایت جنسی بیشتر، ترس های جنسی کمتر جهت مشارکت در فعالیت‌های جنسی و انگیزه بیشتر جهت مشارکت در روابط جنسی را پیش‌بینی کرد. بنابراین، مطالعات بیانگر این هستند که PPR یک عامل مهم در پیش‌بینی رضایت جنسی است. PPR می تواند منجر به تصویربدنی[5]مثبت شود و در جای خود رضایت جنسی را افزایش دهد (ناراس کوی سایوت[6]، ۲۰۱۷).

پاسخگویی ادراک‌شده کم با اضطراب اجتماعی بالا و خودافشایی کم در روابط دوستانهٔ نزدیک همراه بود و مشخص شد که رابطه بین اضطراب اجتماعی و خودافشایی در روابط دوستانه نزدیک را میانجیگری می‌کند. یافته‌های این مطالعه پاسخگویی ادراک‌شده را به عنوان یک شناخت تحریف‌شده[7] بالقوه تشخیص داد. افراد با اضطراب اجتماعی بالا انتظار طرد اجتماعی را دارند و خیلی به نشانه‌های منفی توجه می‌کنند؛ درحالی‌که نشانه‌های مثبت را نادیده می‌گیرند (کلارک، ۲۰۰۱؛ هاپرت[8] و همکاران، ۲۰۰۳؛ اسپوکز[9] و همکاران، ۲۰۰۸؛ ولجکا و ریپی[10]، ۱۹۹۸). در طول تعاملات اجتماعی، افراد با اضطراب اجتماعی بالا ممکن است نشانه‌هایی پاسخگویی را نادیده بگیرند و بیش‌ازحد به علائم احتمالی پاسخگویی پائین توجه کنند (کلارک و مونین[11]، ۲۰۰۶؛ پتی[12]، ۲۰۱۷).

در مطالعه سلکاک و همکاران (۲۰۱۶) PPR بعد از کنترل کردن سن، جنسیت، بهزیستی فضیلت گرا[13]، برون‌گرایی، روان رنجورخویی و پاسخگویی ادراک‌شده از خانواده و دوستان به صورت هم‌زمان با بهزیستی لذت‌گرای[14] بیشتر همراه بود. آن‌ها نشان دادند که PPR حتی بعد از کنترل کردن عوامل مخدوش‌کننده احتمالی به صورت هم‌زمان بهزیستی فضیلت گرای بیشتر را نیز پیش‌بینی کرد.

در مطالعات دیگر نشان داده شده است که پاسخگویی ادراک‌شده همسر اعتماد و تعهد را در روابط رمانتیک پرورش می‌دهد (ویسل کوئست[15] و همکاران، ۱۹۹۹؛ کلارک و لمی[16]،۲۰۱۰). ادراک کردن همسر به صورت درک کننده و تصدیق‌کننده، تمایل جنسی و رفتار نزدیکی جویی جنسی را ترغیب می‌کند؛ چراکه تعاملات جنسی با شریکان پاسخگو، تجارب صمیمانه را تقویت می‌کند (بیرن بام[17] و همکاران، ۲۰۱۶).

در یک مطالعه خاطرات روزمره در طول سه هفته، بار-کلیفا و رافائلی[18] (۲۰۱۳) کشف کردند که پاسخگویی ادراک‌شده همسر رابطه بین پیامدهای ارتباطی منفی و تعاملات غیرحمایتی با همسر را هم در سطح روزمره و هم در سطح شخصی میانجیگری می‌کند. این

1 Self-serving bias
2 Fekete
3 Khan
4 Vander stern & Verheij
5 Body Image
6 Naraškevičiūtė
7 distorted cognition
8 Huppert
9 Spokas
10 Veljaca & Rape
11 Monin
12 Petty
13 Eudaimonic well-being
14 Hedonic well-being
15 Wieselquist
16 Lemay
17 Birnbaum
18 Bar-Kalifa & Rafaeli

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.3.0]

مطالعه نشان می‌دهد که حتی در غیاب حمایت آشکار از جانب همسر، ادراک کردن او به صورت پاسخگو از جانب شریک، اثرات منفی این فقدان حمایت در احساسات ارتباطی را کاهش می‌دهد (داکرو[۱]، ۲۰۱۶).

رافائلی و همکاران (۲۰۰۸) با استفاده از مطالعه خاطرات روزمره متوجه شدند که ادراک افراد از حمایت دریافت شده (یکی از ابعاد پاسخگویی ادراک‌شده همسر) به طور اساسی احساسات مثبت رابطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (گدسی[۲] و همکاران، ۲۰۱۶).

زمانی که اشخاص مشخصی (یعنی عاملان / بازیگران[۳]) رشد پس از آسیب[۴] را تجربه می‌کنند، آن‌ها نسبت به دیگران نزدیک (یعنی شریکان) پاسخگوتر می‌شوند. در عوض، ادراک شریکان از پاسخگویی فرد عامل یا بازیگر، منجر به رشد پس از آسیب بیشتر شریک می‌شود. زمانی که بازیگران پاسخگو هستند، شریکان باید پاسخگویی بازیگر را ادراک کنند. دریافت PPR از جانب افراد عامل می‌تواند شریکان را قادر سازد تا افکار و احساسات مرتبط با آسیب را افشاء کنند؛ چیزی که می‌تواند پردازش شناختی را تقویت کند و یک جهان‌بینی منسجم را خلق کند (کال هون و تدسکی[۵]، ۲۰۰۶؛ کینوولو[۶] و همکاران، ۲۰۱۶).

اسلچر و همکاران (۲۰۱۵) کشف کردند که پاسخگویی ادراک‌شده همسر بعد از ۱۰ سال سطح کورتیزول متعادل‌تری را پیش‌بینی کرد. یک دلیل تأثیر معنادار پاسخگویی ادراک‌شده همسر بر سلامتی این است که مشخص شده پاسخگویی ادراک‌شده همسر از طریق کاهش دادن اضطراب و انگیختگی، آن‌ها را تنظیم می‌کند و احساس امنیت و آرامش را القا می‌کند.

نتایج پژوهش میوز و ایمپت[۷] (۲۰۱۵) درباره اینکه افراد زمانی که همسرشان را نسبت به نیازهای جنسی‌شان پاسخگو ادراک می‌کنند، احساس رضایت و تعهد بیشتری دارند از کار پژوهشی پیشین گیبل و همکاران (۲۰۱۲) حمایت کرد؛ که یافتهٔ آن‌ها نیز بیان‌کننده این بود که حمایت ادراک‌شده می‌تواند منفعت بیشتری برای رخدادهای مثبت در روابط داشته باشد.

نتایج پژوهش کلایمن و همکاران نشان داد زمانی که مشارکت‌کنندگان ادراک کردند که شریکان محاوره‌ای‌شان نسبت به خودافشایی آن‌ها با شور و شوق عکس‌العمل نشان دادند (یعنی پاسخگویی ادراک‌شده)؛ آن‌ها در طول تعامل شادی و عاطفه مثبت بیشتری را تجربه کردند. پاسخگویی ادراک‌شده در طول یک تعامل اولیه ممکن است یک مشوق فوری جهت ادامه دادن تعامل تأمین کند؛ هم‌چنین می‌تواند نشانه این باشد که شریک ارتباطی می‌تواند یک منبع قابل‌اعتمادِ حمایت عاطفی در آینده باشد (کلایمن و همکاران، ۲۰۱۵).

به نظر می‌رسد که پاسخگویی ادراک‌شده با سلامتی ارتباط دارد. مثلاً در بین بیمارانی که تحت عمل جراحی زانو قرار می‌گیرند، پاسخگویی همسران در طول دوره بهبودی، ضعف زانوی کمتری را در سه ماه بعد پیش‌بینی کرد (کان و همکاران، ۲۰۰۹؛ اسلچر و همکاران، ۲۰۱۵).

پاسخگویی معمولاً در بافت روابط صمیمانه مطالعه شده است، اما همچنین در روابط سطحی (کمتر شخصی) نیز مصداق دارد. ریس و همکاران (۲۰۰۸) ۸۱۹ نفر را در سه کشور (آمریکا، کانادا و انگلستان) از لحاظ اینکه به چه میزان آن‌ها پزشک اصلیِ‌شان را نسبت به نیازها و نگرانی‌هایشان پاسخگو ادراک کردند و اینکه چقدر از صمیم قلب نسبت به افکار و احساسات آن‌ها علاقه‌مند هستند؛ مورد بررسی قراردادند. برخلاف تفاوت‌های چشمگیر رابطه بین پزشک - بیمار در این سیستم‌های خدمات درمانی کاملاً متفاوت، پاسخگویی ادراک‌شده از جانب پزشک، بهبودی آزمودنی‌ها در هریک از این سه کشور را (حتی بعد از کنترل جنسیت، سن، وضعیت تأهل، سال‌های بیماری و رضایت کلی از آن پزشک) پیش‌بینی کرد (ریس، ۲۰۱۴).

پاسخگویی می‌تواند صمیمیت را تقویت کند، حتی در شرایطی که معمولاً روابط شکوفا نیست. برای مثال تریل[۸] و همکاران (۲۰۰۹) مشخص کردند که رفتارهای صمیمیت- ساز (ایجادکننده صمیمیت) که شامل پاسخگویی است، غالباً در بین نژادهای مختلف به نسبت زوج‌های هم‌اتاقی از یک نژاد، کمتر یافت می‌شود؛ اما زمانی که وجود دارد، رشد صمیمیت و تمایل برای زندگی کردن با یکدیگر در نیمسال تحصیلی بعد را پیش‌بینی کرد. تریل و همکاران اظهار کردند که پاسخگویی ادراک‌شده مخصوصاً ممکن است در روابط بین نژادی مهم‌تر باشد، زیرا « روابط بین نژادی غالباً با بی‌اعتمادی، سوءتفاهم و کژفهمی توصیف می‌شود » (تریل و همکاران، ۲۰۰۹؛ ریس، ۲۰۱۴).

---

1 DOĞRU
2 Gadassi
3 actors
4 Posttraumatic Growth (PTG)
5 Calhoun & Tedeschi
6 Canevello
7 Impett
8 Trail

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.3.0]

پاسخگویی ادراک‌شده همسر به کیفیت خواب بهتر در زوج‌های متأهل (کارمایکل و ریس، ۲۰۰۵) و نگرش‌های خیلی مثبت و سالم‌تر نسبت به رابطه جنسی خصوصاً در میان زنان مرتبط بوده است (بیرن بام و ریس، ۲۰۰۶؛ ریس، ۲۰۱۴).

دریگ[1] و همکاران (۲۰۱۳) پی بردند که ادراک تمایل و توانایی همسر برای تأمین کردن حمایت کلی (یعنی پاسخگویی همسر) که در زمان ازدواج گزارش‌شده بود، در طی ۹ سال بعد، کاهش احتمال سیگار کشیدن و کاهش تعداد سیگار را پیش‌بینی کرد.

در یک مطالعه طولی در سطح ملی از ۱۸۰۳ شخص متأهل یا هم‌خانه که از MIDUS (نوعی مشروب الکلی لیتوانیایی؛ می انگبین) نجات پیدا کرده بودند؛ مشخص شد که دریافت حمایت اجتماعی آمار مرگ‌ومیر بالاتری را در طی ۱۰ سال پیش‌بینی می‌کند؛ اما فقط در افرادی که حمایت همسرشان را پاسخگویانه ادراک نکردند (سلکاک و آنگ[2]، ۲۰۱۳).

سه مطالعه انجام شده در پژوهش بیرن بام و ریس (۲۰۱۲) نشان داد که علاقه جنسی به یک آشنای جدید توسط ادراکات فرد از پاسخگویی او تحت تأثیر قرار گرفت. PPR در افراد دلبسته کمتر اجتنابی (یعنی هم افراد ایمن و هم افراد دلبسته اضطرابی) باعث افزایش تمایل به رابطه جنسی در آن‌ها می‌شود؛ برخلاف افراد دلبسته اجتنابی، که PPR بیشتر تمایل جنسی را در آن‌ها را کاهش داد.

هم‌چنین نشان داده شده است که PPR در زمینه تحصیلی نیز پیامدهای بهتری را پیش‌بینی می‌کند. برای مثال بچه‌هایی که معلمانشان را نسبت به نیازهایشان پاسخگو توصیف کردند، معمولاً در مدرسه عملکرد بهتری داشتند (موری و کرینبرگ، ۲۰۰۰). دانشجویانی که احساس کردند نگاره‌های دلبستگی پاسخگو و حمایت‌کننده هستند؛ انگیزش تحصیلی بالاتر، ترس از شکست کمتر و انگیزه‌های برخورد- محور[3] (بجای اجتناب- محور[4]) نسبت به تکالیف دانشگاهی نشان دادند و دوره‌های آموزش دانشگاهی را به نسبت چالش‌برانگیزتر در نظر گرفتند تا تهدیدکننده (الیوت[5] و ریس، ۲۰۰۳؛ ریس، ۲۰۱۲).

در طول یک موقعیت جدید و اضطراب برانگیز، مشارکت‌کنندگان در مطالعه کین[6] و همکاران (۲۰۱۲) نسبت به نشانه‌های پاسخگویی شریکشان کاملاً حساس بودند. مشارکت‌کنندگانی که با حضور یک شریک مراقب از یک صخره مجازی[7] عبور کردند به نسبت کسانی که آن صخره را به تنهایی عبور کردند، آن تکلیف را به صورت کمتر تنش‌زا ارزیابی کردند؛ اما حضور یک شریک بی‌توجه به نسبت زمان تنها بودن، به طور معناداری تنش را کاهش نداد.

پژوهشگران بیان کرده‌اند که در روابط درازمدت PPR برای صمیمیت مهم‌تر از خودافشایی است و در روابط کوتاه‌مدت یا در حال شکل‌گیری، ممکن است خودافشایی برای صمیمیت مهم‌تر از PPR باشد (مین[8] و همکاران، ۲۰۰۴).

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در مطالعه فریمن (۲۰۱۱) روشن شد این بود که PPR رابطه مثبت خودافشایی با صمیمیت را در فیس بوک به طور کامل میانجیگری کرد. خودافشایی مناسب در فیس بوک می‌تواند یک عامل در فراخواندن پاسخگویی شریک باشد؛ اما خودافشایی نامناسب می‌تواند مانع هر نوع بازخورد دادنی شود. این مطالعه نشان داد که در فیس بوک دریافت PPR نسبت به به‌روزرسانی‌های خود فرد افشاءکننده، مهم‌تر است.

در مطالعه کاپراریلو[9] و ریس (۲۰۱۱) مشخص شد که پاسخگویی ادراک‌شده، حالت تدافعی در مقابل شکست را کاهش می‌دهد. این مطالعه نشان داد که احساس درک شدن و تصدیق شدن از جانب شریک می‌تواند یک ویژگی در روابط صمیمانه باشد که خود فرد را نسبت به اطلاعات درباره نقاط ضعفش پذیراتر خواهد کرد (کوماشایرو و سدیکیدز[10]، ۲۰۰۵) و فرد را جهت حرکت به سمت خود ایده آلش سوق خواهد داد (دریگتاز[11] و همکاران، ۱۹۹۹) و از پیشرفت فرد در جهت اهداف شخصی حمایت خواهد کرد (فینی، ۲۰۰۷). مطالعه این پژوهشگران پاسخگویی ادراک‌شده را به‌عنوان یک ویژگی بنیادین روابط مورد تأکید قرار داد که از رشد شخصی حمایت می‌کند (گیبل و ریس، ۲۰۰۶؛ کاپراریلو و ریس، ۲۰۱۱).

1 Derrick
2 Ong
3 approach-oriented
4 avoidance-oriented
5 Elliot
6 Kane
7 Virtual-cliff
8 Manne
9 Caprariello
10 Kumashiro & Sedikides
11 Drigotas

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.3.0]

نتایج مطالعه لارنسو و همکاران (۲۰۰۵) و دیگر مطالعات آزمایشی بر روی مدل فرایند بین فردی صمیمیت (لارنسو و همکاران، ۱۹۹۸) نشانگر این است که ادراک کردن حس پاسخگویی (PPR) از جانب همسر بیشتر از خودافشایی و افشاسازی همسر به پیش‌بینی صمیمیت کمک می‌کند. تحلیل‌های اکتشافی نشان می‌دهد که میزان رابطه بین پاسخگویی ادراک‌شده همسر و صمیمیت برای خانم‌ها در مقایسه با شوهران (آقایان) بیشتر بوده است. این یافته نشان می‌دهد که به نسبت شوهران، افزایش صمیمیت در خانم‌ها قویاً به احساس درک شدن، تائید شدن، پذیرفته شدن و مراقبت شدن توسط همسرانشان وابسته است (ریس و پتریک، ۱۹۹۶؛ لارنسو و همکاران، ۲۰۰۵).

لارنسو و همکاران (۱۹۹۸) مدل ریس و شیور (۱۹۸۸) را با ۶۹ دانشجو مورد آزمایش قرار دادند. پژوهشگران همبستگی مثبت بالایی بین خودافشایی و احساس صمیمیت پیدا کردند؛ هم‌چنین همبستگی مثبت چشمگیری نیز بین افشاسازی شریک و احساس صمیمیت کشف کردند. هم‌چنین مشخص شد حمایت در مقابل پاسخگویی همسر، کاملاً به تجربه صمیمیت کمک می‌کند. خودافشایی و افشاسازی شریک هر دو به صورت قابل‌توجهی با ادراک پاسخگویی شریک همبسته بودند و زمانی که شریکان در یک تعامل به صورت پاسخگو ادراک شدند، به صورت قابل‌توجهی با صمیمیت همراه بود. PPR اثرات پیش‌بین خودافشایی و افشاسازی شریک بر روی صمیمیت را میانجیگری کرد.

مطالعه خاطرات روزمره توسط لین[1] (۱۹۹۲) تأثیر نسبی خودافشایی فرد گوینده و پاسخگویی فرد شنونده بر روی صمیمیت را مقایسه کرد. در پایان دوره ضبط کردن تعاملات، آزمودنی‌ها صمیمیت ارتباطی کلی با هر شخصی که آن‌ها با او تعامل داشتند را ارزیابی کردند. پاسخگویی ادراک‌شده به طور معناداری بیشتر از خودافشایی واریانس صمیمیت رابطه را تشکیل داد. به‌عبارت‌دیگر، هر چه رابطه نزدیک‌تر و صمیمانه‌تر بود، آزمودنی‌ها در طول تعاملات روزمره با آن شریک، پاسخگویی بیشتری را گزارش کردند (ریس و پتریک، ۱۹۹۶).

نتیجه مطالعه رضائی و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد که PPR هم در روابط خطی ساده و هم در اثرات تعاملی بیشترین سهم را در تبیین صمیمیت زناشویی پرستاران داشته است. فقط با واردکردن اثر تعاملیِ سبک دلبستگی اجتنابی با پاسخگویی ادراک‌شده همسر به مدل، تقریباً ۲ درصد به واریانس تبیین شده صمیمیت زناشویی توسط متغیرهای پیش‌بین اضافه گردید. یعنی دلبستگی اجتنابی با تأثیر خیلی کم، تا حدودی نقش تعدیل کننده داشته است. پژوهش حاضر نشان داد که لزوماً افراد ناایمن همواره از صمیمیت گریزان نیستند و PPR همان سازه‌ای است که زمینه را برای تجربه صمیمیت در افراد ناایمن و ایمن فراهم می‌کند. افراد ناایمن متناسب با میزان ادراک شان از پاسخگویی همسرشان سطوح متفاوتی از صمیمیت را در روابط شان تجربه خواهند کرد.

مجموع نتایج ۵۷ مطالعه ارائه شده در بخش یافته ها، هدف و فرضیه مقاله حاضر را تأیید کردند. یافته های پژوهش های پیشین نشان دادند که PPR می تواند نقش عوامل تنش زا کم رنگ کند و تعهد، اعتماد، رضایت ارتباطی، رضایت جنسی، خودافشایی، آزاداندیشی، ابرازگری عاطفی- هیجانی و سوگیری حافظه مثبت را افزایش دهد. PPR این قابلیت را دارد که تعارضات ارتباطی را تضعیف کند؛ نشانگان افسردگی، اضطراب و مشکلات خواب را از بین ببرد؛ سازگاری با دوره های تنش زا از جمله دوره والدینی را تسهیل کند؛ عاطف منفی را تسکین داده و عواطف مثبت را تداوم بخشد؛ گشاده روی افراد را بیشتر کرده و حالت تدافعی آن ها در مقابل شکست را ضعیف کند که باعث می شود افراد نقاط ضعف شان را پذیرفته و شکاف بین خودایده آل و خود واقعی شان را کم کنند و درنتیجه تواضع عقلانی شان بیشتر شود؛ بهزیستی افراد در زمینه های مختلف را تقویت کند؛ موجب تجربه رشد پس از آسیب در افراد آسیب دیده شود و سطح کورتیزول افراد را متعادل کند و باعث تسریع فرایند بهبودی جسمانی در افراد آسیب دیده گردد؛ از طریق ایجاد تصویر بدنی مثبت باعث شکل گیری نگرش مثبت و سالم نسبت به رابطه جنسی شود؛ می تواند کمک کند تا افرادی که گرایش به مصرف دخانیات دارند از جمله سیگار، در آینده احتمال سیگار کشیدن یا تعداد سیگار مصرفی آن ها کاهش پیدا کند و حتی در دانش آموزان و دانشجویانی که مربیان خود را پاسخگو ادراک کنند، باعث بهبود عملکرد تحصیلی آن ها شود. بنابراین، می توان ادعا کرد که PPR یک سازه بازدارنده و محافظت کننده نیرومند است که می تواند اثرات و پیامدهای منفی ای را که افراد در روابط تجربه می کنند، به حداقل برساند.

به‌طور خلاصه، روش‌شناسی‌های مختلف پژوهش‌هایی که در این بخش به آن‌ها اشاره شد (مطالعات همبستگی، فراتحلیلی، زمینه‌یابی‌های بزرگ، مطالعات خاطرات روزمره و تجربیات آزمایشگاهی) و دامنه حوزه‌هایی را که پوشش می‌دادند (بهزیستی عاطفی، ارضای نیازهای روزمره، دستاوردهای تحصیلی، خدمات درمانی/ مراقبت‌های بهداشتی و شناخت اجتماعی) حاکی از این هستند که PPR قابلیت کاربست پذیری گسترده‌ای جهت مطالعه روابط و بهزیستی انسان‌ها دارد. این دقیقاً همان چیزی است که یک اصل سازمان دهنده

1 Lin

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.3.0]

مرکزی باید داشته باشد (ریس، ۲۰۱۲). با توجه به ادبیات پژوهش و مطالعات صورت گرفته در این حیطه می‌توان پی برد که PPR همواره به صورت مستقیم یا غیرمستقیم کلیدی‌ترین پیش‌بین صمیمیت بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر آزمودن این فرض بود که آیا PPR این قابلیت را دارد که به عنوان یک سازه محافظت کننده در برابر عوامل تهدید کننده رابطه معرفی گردد. با رجوع به مبانی نظری و پیشینه پژوهشی متوجه شدیم که کلیدی‌ترین پیش‌بین صمیمیت، PPR بود. اما چگونه است که PPR همواره پیش‌بینی کننده صمیمیت است؟ قبل از تبیین این مورد خاطرنشان می‌کنیم که PPR یک سازه بازدارنده قدرتمند است. پژوهشگران مختلف اشاره کرده‌اند که PPR هم در بافت های مثبت و هم بافت های منفی رابطه تضمین‌کننده خوشبختی زوج‌ها خواهد بود (سلکاک و همکاران، ۲۰۱۸). تمام پژوهش‌هایی که مطرح کردیم حاکی از تأثیر مثبت PPR در ساختارهای ارتباطی متنوع است و تا آنجا که ما اطلاع داریم در هیچ پژوهشی به تأثیر منفی PPR بر روی سازه‌های نظری مختلف ازجمله صمیمیت، رضایت و سازگاری زناشویی اشاره نشده است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، PPR از سه عنصر تشکیل یافته است: درک و فهم، اعتباربخشی و مراقبت. زمانی که فرد ادراک کند شریکِ ارتباطی‌اش خودِ او را، نیازهایش، ترس هایش، اهدافش، عقایدش و موقعیت او را درک می‌کند و به آن‌ها ارزش قائل می‌شود و بدون هیچ پیش‌شرطی آن‌ها را تصدیق می‌کند و در زمانی که نیاز به کمک دارد شریکش به یاریش خواهد رفت و نسبت به سلامتی و بهزیستی او دلواپس خواهد بود؛ فرایند صمیمیت بین آن‌ها به وجود خواهد آمد. بر طبق مدل فرایند بین فردی صمیمیت[1]، PPR از طریق انتقال دادن درک و فهم، اعتباربخشی و مراقبت به فرد افشاءکننده؛ حس اعتماد و ارزشمندی را به او القا خواهد کرد و از طریق افزایش دادن میزان خودافشایی (البته درصورتی‌که پاسخگویی فرد توسط شریکش به درستی ادراک شود) سطح صمیمیت را گسترش خواهد داد (ریس و شیور، ۱۹۸۸؛ ریس و همکاران، ۲۰۰۴؛ لارنسو و همکاران، ۲۰۰۵ و ۱۹۹۸).

هم‌چنین زمانی که افراد شریکانشان را نسبت به نیازهای جنسی‌شان پاسخگو ادراک کنند، کارکرد و رضایت جنسی مطلوب‌تری را تجربه خواهند کرد که منجر به افزایش صمیمیت می‌شود (بیرن بام و همکاران، ۲۰۱۴). از طرف دیگر PPR می‌تواند تعارضات زوج‌ها را در زندگی کاهش داده و صمیمیت را در بین آن‌ها تقویت کند (لشانز-کرزلا و همکاران،۲۰۲۰). زوج‌هایی که PPR را تجربه می‌کنند، ابرازگری عاطفه در روابط شان بیشتر می‌شود (روآن و همکاران،۲۰۲۰) و تلاش نمی‌کنند تا عواطف شان را سرکوب کنند؛ PPR این قابلیت را دارد که سکون هیجانی[2] افراد را بشکند (لوجین بوشل[3] و اسکیبی، ۲۰۲۰) و درنتیجه سطح رضایت و صمیمیت آن‌ها را افزایش دهد.

پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که PPR این قابلیت را دارد که حتی در مشکلاتی که برخی از آن‌ها منشأ زیستی دارند همانند افسردگی (داگان و همکاران، ۲۰۱۴؛ فیکت و همکاران، ۲۰۰۷؛ پیترومانکو[4] و همکاران، ۲۰۲۲)، اختلالات جنسی (برجران و همکاران، ۲۰۲۱) و خواب (دُلی و همکاران، ۲۰۱۸؛ کارمایکل و ریس، ۲۰۰۵) فرایند بهبودی را تسریع کند. PPR به افرادی که از بیماری‌های مزمنی همانند سرطان (مین و همکاران، ۲۰۱۸؛ اوتو[5] و همکاران، ۲۰۱۵؛ مین و همکاران، ۲۰۰۴)، پارکینسون (شمپین و میوز، ۲۰۲۱) یا نشانگان یائسگی (لی و همکاران، ۲۰۲۰) رنج می‌برند یا افرادی که به تازگی از زیر تیغ جراحی بیرون آمده‌اند، کمک می‌کند تا با شرایط جدیدشان سازگار شوند و رشد پس از آسیب را تجربه کنند (کان و همکاران، ۲۰۰۹؛ کال هون و تدسکی، ۲۰۰۶). همه این عوامل دست‌به‌دست هم می‌دهند تا زوج‌ها روابط صمیمانه‌تری را تجربه کنند. مطالعه ریس و همکاران (۲۰۱۸) آشکار کرد که PPR می‌تواند سطح گشودگی افراد را گسترش دهد، آزاداندیشی آن‌ها را افزایش دهد (ایزی شاکوو و ریس، ۲۰۲۱) سوگیری‌های حق‌به‌جانب آن‌ها را کم کند و حالت تدافعی افراد را کم‌رنگ کند؛ که این عوامل منجر به تواضع عقلانی بیشتر زوج‌ها و درنتیجه تجربه صمیمیت در روابط خواهد شد. مطالعه لین (۱۹۹۲) نشان داد که پاسخگویی ادراک‌شده به صورت معناداری بیشتر از خود افشایی واریانس صمیمیت را تشکیل داد. پژوهش تریل و همکاران (۲۰۰۹) مشخص کرد که پاسخگویی حتی زمانی که روابط افراد شکوفا نیست، می‌تواند صمیمیت را تقویت کند.

1 The Interpersonal Process Model of Intimacy (IPMI)
2 Emotional inertia
3 Luginbuehl
4 Pietromonaco
5 Otto

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.3.0]

PPR عواطف مثبت را تداوم می‌بخشد و در زمان افشاسازی یک رویداد تنش‌زا، عواطف منفی را کاهش می‌دهد (کالینز و فینی، ۲۰۰۰) و کمک می‌کند تا افراد با داشتن عواطف پویا و مثبت، صمیمیت را در رابطه توسعه دهند (تسفایلز و همکاران، ۲۰۱۸).

همسو با پژوهش بیرن بام و ریس (۲۰۰۶) PPR قادر است تا دیدگاه‌های مثبت و سازنده‌تر نسبت به رابطه جنسی را خصوصاً در میان زنان افزایش دهد و پژوهش‌ها دلالت بر این دارند که هر چه زوج‌ها روابط جنسی بیشتر و ارضاکننده‌تری داشته باشند، سطح صمیمیت جنسی آن‌ها بیشتر خواهد شد. هم‌چنین PPR می‌تواند احساسات مثبت (رافائلی و همکاران، ۲۰۰۸) و شادی (کلایمن و همکاران، ۲۰۱۵) را در طول رابطه افزایش دهد، که آن‌ها نیز قادرند سطح صمیمیت را بالا ببرند.

به طور کلی، نتایج پژوهش‌های پیشین حاکی از این است که PPR این ظرفیت را دارد که به عنوان اصل سازمان دهنده مرکزی به زوج ها و افراد دیگر در سایر روابط همانند دوستان، همکاران، دانش آموزان، دانشجویان، معلمان و کادر درمان کمک کند تا عواملی را که می توانند باعث به خطر افتادن بقاء رابطه آن ها شوند را کنار زده و بر روی جنبه های تسهیل کننده رابطه سازگار و سودمند متمرکز شوند.

باتوجه به اینکه کشور ما همانند سایر کشورها درگیر همه‌گیری ویروس کرونا شده است، می‌توان استنباط کرد که پاسخگویی ادراک‌شده از جانب شریکان ارتباطی می‌تواند به افراد در تمامی روابط و حرفه‌ها از جمله روابط زوجی و حرفه‌های یاری‌رسان همانند پرستاران و پزشک‌ها کمک کند تا میزان تنش و استرس تجربه‌شده ناشی از این بیماری را به حداقل رسانده و میزان قابل‌توجهی از صمیمیت، رضایت و سازگاری را در روابط و محیط‌های کاریشان تجربه کنند. تنها محدودیت جدی نویسندگان مقاله حاضر کمبود منابع و پژوهش های انجام شده بر روی سازه PPR در داخل کشور بود؛ که همین امر علت استنادهی به تنها یک منبع داخلی در متن بود.

بنابراین لازم است پژوهشگران ایرانی به مطالعه نقش PPR در افزایش سطح صمیمیت، رضایت و سازگاری زناشویی بپردازند و میزان تأثیرگذاری این سازه در به حداقل رساندن تعارضات و اختلافات زناشویی را مورد مطالعه قرار دهند.

با در نظر گرفتن پیشینه نظری و پژوهشی ارائه شده در بخش های قبلی و با توجه به اینکه پاسخگویی ادراک‌شده همسر یک سازه بدیع در کشور قلمداد می‌شود و تعداد پژوهش‌هایی که به مطالعه این سازه پرداخته‌اند خیلی محدود است؛ نتایج پژوهش حاضر می تواند نقشه راهی برای پژوهش های آتی باشد تا پژوهشگران به مطالعه نقش PPR در نمونه های ایرانی بپردازند و میزان همخوانی یافته های احتمالی با یافته های ارائه شده در این مقاله و سایر نتایج به دست آمده در پژوهش های خارج از کشور را مقایسه کنند. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران به مطالعه تأثیرگذاری این سازه در کنار سایر متغیرها همانند خودافشایی، عزت‌نفس، ذهن آگاهی، منبع کنترل، اِسنادها و … بر روی میزان صمیمیت و رضایت زناشویی در جمعیت‌های گوناگون در مناطق مختلف کشور بپردازند.

منابع

رضائی، م. (۱۴۰۰). «*تعیین رابطه پاسخگویی ادراک‌شده همسر و صمیمیت زناشویی پرستاران: با نقش تعدیل کننده سبک های دلبستگی*». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی.

Alonso-Ferres, M., Righetti, F., Valor-Segura, I., & Expósito, F. (2021). How power affects emotional communication during relationship conflicts: The role of perceived partner responsiveness. *Social Psychological and Personality Science*, *12*(7), 1203-1215.

Balzarini, R. N., Muise, A., Zoppolat, G., Di Bartolomeo, A., Rodrigues, D. L., Alonso-Ferres, M., ... & Slatcher, R. B. (2020). Love in the time of COVID: Perceived partner responsiveness buffers people from lower relationship quality associated with COVID-related stressors. doi:10.31234/osf.io/e3fh4.

Bar-Kalifa, E., Hen-Weissberg, A., & Rafaeli, E. (2015). Perceived partner responsiveness mediates the association between social anxiety and relationship satisfaction in committed couples. *Journal of Social and Clinical Psychology*, *34*(7), 587-610.

Ben-Gal Dahan, A., & Mikulincer, M. (2021). Attachment and task persistence: attachment orientations, perception of teacher's responsiveness, and adolescents' persistence in academic tasks. *Attachment & Human Development*, *23*(5), 665-686.

Bergeron, S., Pâquet, M., Steben, M., & Rosen, N. O. (2021). Perceived partner responsiveness is associated with sexual well-being in couples with genito-pelvic pain. *Journal of Family Psychology*, *35*(5), 628–638.

Birnbaum, G. E., & Reis, H. T. (2012). When does responsiveness pique sexual interest? Attachment and sexual desire in initial acquaintanceships. *Personality and Social Psychology Bulletin*, *38*(7), 946-958.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.3.0]

Birnbaum, G. E., Ein-Dor, T., Reis, H. T., & Segal, N. (2014). Why do men prefer nice women? Gender typicality mediates the effect of responsiveness on perceived attractiveness in initial acquaintanceships. *Personality and social psychology Bulletin*, *40*(10), 1341-1353.

Birnbaum, G. E., Reis, H. T., Mizrahi, M., Kanat-Maymon, Y., Sass, O., & Granovski-Milner, C. (2016). Intimately connected: The importance of partner responsiveness for experiencing sexual desire. *Journal of Personality and Social Psychology*, *111*(4), 530.

Canavarro, M. C., Silva, S., & Moreira, H. (2015). Is the link between posttraumatic growth and anxious symptoms mediated by marital intimacy in breast cancer patients? *European Journal of Oncology Nursing*, *19*(6), 673-679.

Candel O.S., & Turliuc M.N. (2021) The Role of Relational Entitlement, Self-Disclosure and Perceived Partner Responsiveness in Predicting Couple Satisfaction: A Daily-Diary Study. *Front. Psychol*. 12:609232. doi: 10.3389/fpsyg.2021.609232.

Canevello, A., Michels, V., & Hilaire, N. (2016). Supporting close others' growth after trauma: The role of responsiveness in romantic partners' mutual posttraumatic growth. *Psychological trauma: theory, research, practice, and policy*, *8*(3), 334.

Caprariello, P. A., & Reis, H. T. (2011). Perceived partner responsiveness minimizes defensive reactions to failure. *Social Psychological and Personality Science*, *2*(4), 365-372.

Carmichael, C. L., & Reis, H. T. (2005). Attachment, sleep quality, and depressed affect. *Health Psychology*, *24*(5), 526.

Champagne E.R., Muise A. (2022) Responsiveness and Relationship Satisfaction in Couples Coping With Parkinson's Disease: A Pilot Study. *Psychological Reports*. 125(2):804-821.

Cook, W. L., Dezangré, M., & De Mol, J. (2018). Sources of perceived responsiveness in family relationships. *Journal of Family Psychology*, *32*(6), 743.

Coyle, M. A., & Carmichael, C. L. (2019). Perceived responsiveness in text messaging: The role of emoji use. *Computers in Human Behavior*, *99*, 181-189.

Dagan, M., Sanderman, R., Hoff, C., Meijerink, W. J., Baas, P. C., van Haastert, M., & Hagedoorn, M. (2014). The interplay between partners' responsiveness and patients' need for emotional expression in couples coping with cancer. *Journal of behavioral medicine*, *37*(5), 828-838.

Derrick, J. L., Leonard, K. E., & Homish, G. G. (2013). Perceived partner responsiveness predicts decreases in smoking during the first nine years of marriage. *Nicotine & Tobacco Research*, *15*(9), 1528-1536.

Doğru, O. C. (2016). *Relationship between perceived partner responsiveness and work engagement* (Doctoral dissertation, Middle East Technical University).

Dooley, M. K., Sweeny, K., Howell, J. L., & Reynolds, C. A. (2018). Perceptions of romantic partners' responsiveness during a period of stressful uncertainty. *Journal of personality and social psychology*, *115*(4), 677.

Fekete, E. M., Stephens, M. A. P., Mickelson, K. D., & Druley, J. A. (2007). Couples' support provision during illness: The role of perceived emotional responsiveness. *Families, Systems, & Health*, *25*(2), 204.

Freeman, Linda Kramer. (2011). Wall of me: facebook self-disclosure and partner responsiveness resulting in confirmation or violation of expectations and consequences for intimacy and relationships.. Retrieved from the University of Minnesota Digital Conservancy, https://hdl.handle.net/11299/119330.

Gable, S. L., & Reis, H. T. (2006). Intimacy and the Self: An Iterative Model of the Self and Close Relationships. In P. Noller & J. A. Feeney (Eds.), *Close relationships: Functions, forms and processes* (pp. 211–225). Psychology Press/Taylor & Francis (UK).

Gadassi, R., Bar-Nahum, L. E., Newhouse, S., Anderson, R., Heiman, J. R., Rafaeli, E., & Janssen, E. (2016). Perceived partner responsiveness mediates the association between sexual and marital satisfaction: A daily diary study in newlywed couples. *Archives of sexual behavior*, *45*(1), 109-120.

Gunaydin, G., Selcuk, E., Urganci, B., & Yalcintas, S. (2021). Today you care, tomorrow you don't: Differential roles of responsiveness variability and average responsiveness in romantic attachment. *Social Psychological and Personality Science*, *12*(5), 839-849.

Itzchakov, G., & Reis, H. T. (2021). Perceived responsiveness increases tolerance of attitude ambivalence and enhances intentions to behave in an open-minded manner. *Personality and Social Psychology Bulletin*, *47*(3), 468-485.

Jesslyn, E., & Dewi, F. I. R. (2020, May). Trust in Dating Couples: Attachment Anxiety, Attachment Avoidance, and Perceived Partner Responsiveness. In *Tarumanagara International Conference on the Applications of Social Sciences and Humanities (TICASH 2019)* (pp. 684-691). Atlantis Press.

Jolink, T. A., Chang, Y. P., & Algoe, S. B. (2022). Perceived partner responsiveness forecasts behavioral intimacy as measured by affectionate touch. *Personality and Social Psychology Bulletin*, *48*(2), 203-221.

Kane, H. S., McCall, C., Collins, N. L., & Blascovich, J. (2012). Mere presence is not enough: Responsive support in a virtual world. *Journal of experimental social psychology*, *48*(1), 37-44.

Kleiman, E. M., Kashdan, T. B., Monfort, S. S., Machell, K. A., & Goodman, F. R. (2015). Perceived responsiveness during an initial social interaction with a stranger predicts a positive memory bias one week later. *Cognition and Emotion*, *29*(2), 332-341.

Koçak, A., Mouratidis, A., Uçanok, Z., Selcuk, E., & Davies, P. T. (2020). Need Satisfaction as a Mediator of Associations between Interparental Relationship Dimensions and Autonomy Supportive Parenting: A Weekly Diary Study. *Family process*, *59*(4), 1874-1890.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.3.0]

Lachance-Grzela, M., Ross-Plourde, M., Vautour, M., Larocque, M., & Duguay, A. (2020). Mindfulness, Perceived Partner Responsiveness, and Relational Conflict Among Emerging Adult Couples. *Canadian Journal of Counselling & Psychotherapy/Revue Canadienne de Counseling et de Psychothérapie*, *54*(3).

Laurenceau, J. P., Barrett, L. F., & Pietromonaco, P. R. (1998). Intimacy as an interpersonal process: The importance of self-disclosure, partner disclosure, and perceived partner responsiveness in interpersonal exchanges. *Journal of personality and social psychology*, *74*(5), 1238.

Laurenceau, J. P., Barrett, L. F., & Rovine, M. J. (2005). The interpersonal process model of intimacy in marriage: A daily-diary and multilevel modeling approach. *Journal of family psychology*, *19*(2), 314.

Lee, K., Jun, H. J., Joo, S., & Lee, S. A. (2020). Perceived Partner Responsiveness Attenuate the Link Between Menopausal Symptoms and Depressed Affect. *Innovation in Aging*, *4*(Suppl 1), 307-308.

Luginbuehl, T., & Schoebi, D. (2020). Emotion dynamics and responsiveness in intimate relationships. *Emotion*, *20*(2), 133–148. https://doi.org/10.1037/emo0000540.

Manne, S., Kashy, D. A., Zaider, T., Lee, D., Kim, I. Y., Heckman, C., ... & Virtue, S. M. (2018). Interpersonal processes and intimacy among men with localized prostate cancer and their partners. *Journal of Family Psychology*, *32*(5), 664.

Manne, S., Ostroff, J., Rini, C., Fox, K., Goldstein, L., & Grana, G. (2004). The interpersonal process model of intimacy: The role of self-disclosure, partner disclosure, and partner responsiveness in interactions between breast cancer patients and their partners. *Journal of Family Psychology*, *18*(4), 589.

Merwin K., & Rosen, N. (2020). Perceived Partner Responsiveness Moderates the Associations Between Sexual Talk and Sexual and Relationship Well-Being in Individuals in Long-Term Relationships. *J Sex Res*.;57(3):351-364. doi: 10.1080/00224499.2019.1610151. Epub 2019 May 15. PMID: 31090449.

Muise, A., & Impett, E. A. (2015). Good, giving, and game: The relationship benefits of communal sexual motivation. *Social Psychological and Personality Science*, *6*(2), 164-172.

Munk, R. J. (2020). *Household labor and marital quality: perceived partner responsiveness as a buffer for unfair divisions of labor* (Doctoral dissertation, University of Missouri--Columbia). https://hdl.handle.net/10355/78629

Naraškevičiūtė, E. (2017). T*he relationship between perceived partner's responsiveness and sexual satisfaction: The role of positive body image* (*Master's thesis*).

O'Neill, A. S., Mohr, C. D., Bodner, T. E., & Hammer, L. B. (2020). Perceived partner responsiveness, pain, and sleep: A dyadic study of military-connected couples. *Health Psychology*, *39*(12), 1089–1099. https://doi.org/10.1037/hea0001035.

Pauw, L. S., Hoogeveen, S., Breitenstein, C. J., Meier, F., Rauch-Anderegg, V., Neysari, M., ... & Milek, A. (2021). Spillover Effects When Taking Turns in Dyadic Coping: How Lingering Negative Affect and Perceived Partner Responsiveness Shape Subsequent Support Provision. *Frontiers in psychology*, *12*, 371.

Petty, S. (2017). *The association of high social anxiety and perceived responsiveness with self-disclosure* (Master's thesis).

Pietromonaco, P. R., Overall, N. C., & Powers, S. I. (2022). Depressive Symptoms, External Stress, and Marital Adjustment: The Buffering Effect of Partner's Responsive Behavior. *Social psychological and personality science*, *13*(1), 220–232. https://doi.org/10.1177/19485506211001687.

Raposo, S. (2020). *How Attachment Shapes Approaches to Sexual Need Fulfillment* (Master's thesis).

Raposo, S., & Muise, A. (2021). Perceived partner sexual responsiveness buffers anxiously attached individuals' relationship and sexual quality in daily life. *Journal of Family Psychology*, *35*(4), 500–509. https://doi.org/10.1037/fam0000823.

Reis, H. T. (2012). Perceived partner responsiveness as an organizing theme for the study of relationships and well-being. In L. Campbell & T. J. Loving (Eds.), *Interdisciplinary research on close relationships: The case for integration* (pp. 27–52). American Psychological Association. https://doi.org/10.1037/13486-002.

Reis, H. T. (2013). Relationship well-being: The central role of perceived partner responsiveness. In C. Hazan & M. I. Campa (Eds.), *Human bonding: The science of affectional ties* (pp. 283–307). The Guilford Press.

Reis, H. T. (2014). Responsiveness: Affective interdependence in close relationships. In M. Mikulincer & P. R. Shaver (Eds.), *Mechanisms of social connection: From brain to group* (pp. 255–271). American Psychological Association. https://doi.org/10.1037/14250-015.

Reis, H. T., & Patrick, B. C. (1996). Attachment and intimacy: Component processes. In E. T. Higgins & A. W. Kruglanski (Eds.), *Social psychology: Handbook of basic principles* (pp. 523–563). The Guilford Press.

Reis, H. T., Clark, M. S., & Holmes, J. G. (2004). Perceived Partner Responsiveness as an Organizing Construct in the Study of Intimacy and Closeness. In D. J. Mashek & A. P. Aron (Eds.), *Handbook of closeness and intimacy* (pp. 201–225). Lawrence Erlbaum Associates Publishers.

Reis, H. T., Crasta, D., Rogge, R. D., Maniaci, M. R., & Carmichael, C. L. (2017). Perceived Partner Responsiveness Scale (PPRS) (Reis & Carmichael, 2006). *The sourcebook of listening research: Methodology and measures*, 516-521. https://doi.org/10.1002/9781119102991.ch57

Reis, H. T., Lee, K. Y., O'Keefe, S. D., & Clark, M. S. (2018). Perceived partner responsiveness promotes intellectual humility. *Journal of Experimental Social Psychology*, *79*, 21-33.

Reis, H. T., & Shaver, P. (1988). Intimacy as an interpersonal process. In S. Duck, D. F. Hay, S. E. Hobfoll, W. Ickes, & B. M. Montgomery (Eds.), *Handbook of personal relationships: Theory, research and interventions* (pp. 367–389). John Wiley & Sons.

Rice, T. M., Kumashiro, M., & Arriaga, X. B. (2020). Mind the Gap: Perceived Partner Responsiveness as a Bridge between General and Partner-Specific Attachment Security. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, *17*(19), 7178.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.3.0]

Rosen, N. O., Williams, L., Vannier, S. A., & Mackinnon, S. P. (2020). Sexual intimacy in first-time mothers: Associations with sexual and relationship satisfaction across three waves. *Archives of Sexual Behavior, 49*(8), 2849-2861.

Ruan, Y., Reis, H. T., Clark, M. S., Hirsch, J. L., & Bink, B. D. (2020). Can I tell you how I feel? Perceived partner responsiveness encourages emotional expression. *Emotion, 20*(3), 329–342. https://doi.org/10.1037/emo0000650.

Selcuk, E., & Ong, A. D. (2013). Perceived partner responsiveness moderates the association between received emotional support and all-cause mortality. *Health Psychology, 32*(2), 231–235. https://doi.org/10.1037/a0028276.

Selcuk, E., Gunaydin, G., Ong, A. D., & Almeida, D. M. (2016). Does partner responsiveness predict hedonic and eudaimonic well-being? A 10-year longitudinal study. *Journal of Marriage and Family, 78*(2), 311–325. https://doi.org/10.1111/jomf.12272

Selcuk, E., Karagobek, A. B., & Gunaydin, G. (2018). Responsiveness as a key predictor of happiness: Mechanisms and unanswered questions. In M. Demir & N. Sümer (Eds.), *Close relationships and happiness across cultures* (pp. 1–18). Springer International Publishing/Springer Nature. https://doi.org/10.1007/978-3-319-89663-2_1.

Selcuk, E., Stanton, S. C., Slatcher, R. B., & Ong, A. D. (2017). Perceived partner responsiveness predicts better sleep quality through lower anxiety. *Social Psychological and Personality Science, 8*(1), 83-92.

Slatcher, R. B., Selcuk, E., & Ong, A. D. (2015). Perceived partner responsiveness predicts diurnal cortisol profiles 10 years later. *Psychological Science, 26*(7), 972-982.

Stanton, S. C., Chan, A., & Gazder, T. (2021). Mindfulness, Perceived Partner Responsiveness, and Relationship Quality: A Dyadic Longitudinal Mediation Model. *Journal of Social and Personal Relationships*, 38(11):3310-3332.

Stanton, S. C., Selcuk, E., Farrell, A. K., Slatcher, R. B., & Ong, A. D. (2019). Perceived partner responsiveness, daily negative affect reactivity, and all-cause mortality: A 20-year longitudinal study. *Psychosomatic Medicine, 81*(1), 7-15.

TAŞFİLİZ, D. (2019). *Unveiling the role of perceived partner responsiveness in the link between emotional disclosure and well-being: a comparison of Turkish and Dutch young adults* (Doctoral dissertation, Middle East Technical University).

Tasfiliz, D., Selcuk, E., Gunaydin, G., Slatcher, R. B., Corriero, E. F., & Ong, A. D. (2018). Patterns of perceived partner responsiveness and well-being in Japan and the United States. *Journal of Family Psychology, 32*(3), 355–365. https://doi.org/10.1037/fam0000378.

Walsh, R. M., Forest, A. L., & Orehek, E. (2020). Self-disclosure on social media: The role of perceived network responsiveness. *Computers in Human Behavior, 104*, Article 106162. https://doi.org/10.1016/j.chb.2019.106162.

Zhou, J. (2018). *Vantage Sensitivity to Perceived Partner Responsiveness: Examine the Moderating Role of Heart Rate Variability*. (Master's thesis). https://doi.org/10.7298/X4TD9VJS.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.3.0]